

## قانون اصول محاکمات حقوقی

تا تقدیم اولین لایحه جوابیه مدعا علیه است و در محاکمات اختصاری تا اولین جلسه محاکمه بطوریکه ذکر شد در صورتی دعوائی متقابل شناخته میشود که مربوط با دعوی اصلی باشد و صرف طرح دعوا از طرف مدعا علیه بطرفیت مدعی در میندت مقرر فوق عنوان دعوی تقابل را بهر دعوائی نمی تواند بدهد

بنا بر این هرگاه دعوی طرح شده غیر متقابل تشخیص داده شود با دعوی اصلی رسیدگی نشده بلکه مدعی علیه بایستی در همان محکمه یا محکمه دیگر علیه خود اقامه دعوی نماید هرگاه دعوی طرح شده خارج از صلاحیت محکمه باشد و مربوط به دعوی اصلی نیز باشد رسیدگی نسبت بان نیز در آن محکمه بعمل نیامده و در محکمه صلاحیت دار بعمل خواهد آمد بطوری که فوقاً اشاره شد طرح دعوی متقابل در مدت محدودی بایستی بعمل آید و اگر در خارج از مدت مزبور عرض حالی بعنوان تقابل تقدیم شود و لایحه اینک موضوع آن با دعوی اصلی مربوط باشد متقابلاً قابل رسیدگی نخواهد بود

دعوی تقابل بایستی با دعوی اصلی مربوط باشد و اگر مدعا علیه در موعد مقرر دعوائی اقامه نماید که مربوط با دعوی اصلی نباشد آن دعوا نیز متقابلاً قابل رسیدگی نیست

مثلاً اگر مدعی مطالبه مال الاجاره عقب افتاده را بنماید و مدعا علیه در مقابل این ادعا مخارجی را که

هرگاه اموال یا وجوهی که توقیف میشود نزد اشخاص ثالث باشد و یا طلب مدعا علیه و یا محکوم علیه نزد مدیون توقیف شود سواد قرار توقیف بشخص ثالث یا مدیون نیز بایستی ابلاغ گردد هرگاه شخص مزبور منکر وجود تمام یا قسمتی از طلب یا اموال مورد توقیف باشد بایستی در ظرف ده روز مراتب را بمحکمه حاکمه اطلاع دهد و الا مسئول پرداخت میزان مورد تامین و یا تسلیم مال خواهد بود

هرگاه مدعی یا محکوم له ثابت کند که در حین ابلاغ قرار توقیف بشخص ثالث مال یا طلب نزد او وجود داشته و برخلاف حقیقت منکر آن شده است تا موقعیکه حقوق مدعی یا محکوم له جبران نشود مشارالیه در توقیف خواهد بود و هرگاه پس از توقیف مال یا طلب شخص ثالث از تسلیم آن مستنکف باشد دائره اجرا میتواند حتی از اموال شخصی او توقیف نماید و اگر دسترسی به اموال شخصی او نیز نباشد تا موقعیکه جبران حق مستدعی تامین را نکند در توقیف خواهد بود

ماده ۵۶ قانون آزمایش مدعا علیه حق داده که در مقابل دعوی مدعی او نیز دعوائی اقامه کند - در صورتیکه این دعوا مربوط به دعوی اول یا اصلی باشد آنرا دعوی متقابل مینامند و باین دعوا در همان محکمه که بدعوی اصلی رسیدگی میکنند رسیدگی خواهد شد مگر اینکه دعوی اخیر از صلاحیت نوعی محکمه خارج باشد

موقع تقدیم عرض حال تقابل در محاکمات عادی

دو نفر مداخله اختیاری و برعکس جلب شخص ثالث مداخله اجباری میباشد در مورد مداخله اختیاری ممکن است دخالت شخص ثالث بر علیه یکی از متداعیین و یا هر دو آنها باشد مثلاً شخصی مطلع شود که راجع به مالکی بین دو نفر محاکمه در جریان است حال اگر آن ملک را حق خود دانسته و بر علیه هر دو آنها وارد محاکمه شود معلوم است منفعت ثالث برخلاف مقصود و برخلاف منفعت طرفین دعوا میباشد و گاه اتفاق میافتد که شخص خارج بنظریاتی جهت حمایت و تقویت یکی از طرفین وارد دعوا میشود معلوم است که در این صورت با یکی از آنها (اعم از مدعی و مدعا علیه) مشترك المنفعه بوده و مزاحم دیگری میباشد شخص ثالث در محاکمه بین دو نفر یا عده ای که وارد میشود باید در عرض حال تصریح کند که با کدام يك از متداعیین میخواهد همراهی کند و اگر مداخله او بر علیه هر دو طرف میباشد این قسمت را نیز بایستی تصریح نماید

بر طبق ماده ۱۶۴ قانون آرایش ورود شخص ثالث در هر درجه از مراحل دعوی اعم از ابتدائی یا استینافی آزاد بوده و میتواند دخالت نماید و محکمه حا که راجع به قبول یا رد عرض حال ثالث تصمیمی خواهد گرفت که در صورت رد متداعیین میتوانند نسبت بان شکایت کنند و اگر قرار رد را محکمه بدایت صادر کرده باشد شکایت آن بایستی بمحکمه استینافی و اگر از محکمه استینافی صادر شده باشد شکایت نسبت بان بدیوان تمیز تقدیم خواهد شد و این شکایت قبل از شکایت نسبت باصل دعوا قابل رسیدگی است

پس از ورود شخص ثالث محکمه میتواند حکم دعوی اصلی را برای رسیدگی بدعوی ثالث بتساخیر بیاندارد و پس از صدور حکم نسبت بدعوی اصلی نسبت بدعوی ثالث رسیدگی کند ولی این تفکیک موقعی جایز است که دعوی اصلی در موقع ورود ثالث قسمت عمده از مراحل خود را پیموده و قریب به ختم باشد

برای تعمیرات عین مستاجر کرده است مطالبه کند و عرض حالی در موعد مقرر بعنوان تقابل تسلیم کند دعوی او متقابلاً قابل رسیدگی است زیرا هر دو دعوا مربوط به یکدیگر میباشد و هر گاه مدعی علیه در قبالی همین دعوی مدعی (مطالبه مال الاجاره) دعوائی در مدت مقرر بعنوان مطالبه طلب طرح نماید این دعوی او دعوی تقابل محسوب نخواهد شد زیرا دعوی اصلی و دعوی قانونی بایکدیگر مربوط نیست .

ممکن است مدعا علیه در مقابل دعوا دفاعاً بعنوان نهاتر متمسک گردد در این مورد محکمه حا که نسبت باین دفاع بایستی رسیدگی کند و عنوان نهاتر محتاج بتقدیم عرض حال و رعایت تشریفات و مخارج محاکمه نیست بلکه مثل سایر مذاقات مدعا علیه میتواند در محاکمات عادی در ضمن لوائح و در محاکمات اختصاری در جلسه بدان متصل گردد

### دخول و جلب ثالث

اغلب اتفاق میافتد که در محاکمات بین دو نفر يك شخص خارجی که آنها را در اصطلاح قضائی شخص ثالث مینامند ذیفع باشد و با منافع احد متداعیین اقتضا نماید که شخص خارجی (ناثی را) در محاکمه بین خود و طرف مداخله دهد

در صورت اول شخص ثالث میتواند بملاحظه نفعی که برای خود از محقق شدن یکی از متداعیین قائل است و یا تحت عنوان مستقلمی که در آن دعوا برای خود و ضرر طرفین قائل میباشد دخالت نماید و در هر صورت عرض حال بعنوان ثالث بایستی بمحکمه که دعوادر آن مطرح است تقدیم گردد

در صورت دوم طرفیکه منافع او اقتضا میکنند که شخص ثالث را وارد دعوا نماید بایستی بموجب عرض حال جلب او را از محکمه بخواهد از این توضیح بخوبی واضح میشود که دخول شخص ثالث در محاکمه بین